

اجتماعیات در ابومسلم‌نامه

• محمدجعفری قنواتی

- ابومسلم‌نامه به روایت ابوطاهر بن حسن طرطوسی
- به اهتمام حسین اسماعیلی
- انتشارات معین، نشر قطره و انجمن ایران‌شناسی فرانسه
- ۱۳۸۰، چهار جلد، ۲۵۴۰ صفحه، ۲۲۰۰ نسخه، ۱۷۰۰۰ تومان



۴۴

شماره‌های ۱۰۵-۱۰۳
اردیبهشت، خرداد، تیرماه
۱۳۸۵

بنا به دلایل سیاسی در زمان صفویان پیش می‌آید و متأسفانه همه نسخه‌های این داستان ارزشمند را با آب شسته و از میان می‌برند. به رغم آنکه مدتها بعد، در زمان شاه عباس، تحریری از ابومسلم‌نامه صورت می‌گیرد اما تحریم همه جانیه آن باعث شد که کم‌کم در محدوده فعلی ایران این داستان به دست فراموشی سپرده شود. ابومسلم‌نامه با وجود این مهجوریت تأثیرات فراوانی بر داستان‌پردازی ایران در دوره صفویان و پس از آن بر جای گذاشت. درک دقیق همین تأثیرات بود که استاد پیشکسوت ادبیات عامه ایران، زنده‌یاد محمدجعفر محجوب، در سلسله مقاله‌های معروف خویش، «درباره داستان‌های عامیانه فارسی»، ضمن معرفی داستان ابومسلم‌نامه و اشاره به برخی از فواید اجتماعی آن از جمله تحقیق در زندگانی مردم معاصر مؤلف کتاب، نوشته بود: «کاش صاحب هستی پدید آید و به طبع و انتشار این کتاب مفید و دلپذیر به اسلوبی صحیح کمر بندد و با حل دشواریها و رفع اشکالهایی که در آن وجود دارد فایده آن را عام‌تر سازد.» (محجوب، ۱۳۸۲: ۲۹۸)

استاد محجوب که خود سالها بعد این داستان را براساس نسخه کتابخانه گنج‌بخش پاکستان تصحیح کرده بود، متأسفانه موفق به چاپ آن نشد و تأسفبارتر اینکه حاصل زحمات او نیز از میان رفت اما سرانجام به تشویق ایشان و به همت یکی از دوستانش، دکتر حسین اسماعیلی، استاد دانشگاه پاریس، این مهم به زیباتر وجهی تحقق یافت. مصحح دانشمند کتاب با سالها پژوهش در کتابخانه‌های مختلف و بازخوانی نسخه‌های متعدد این داستان متنی دقیق و پاکیزه به همراه تعلیقات، توضیحات و حواشی کافی به خواننده علاقه‌مند ارائه کرده است. کتاب اگر چه حجم

ابومسلم‌نامه نخستین حماسه تاریخی در ادبیات فارسی و همچنین یکی از مهم‌ترین کتابهای ادب عامه است. این کتاب شرح زندگی و مبارزه‌های یکی از قهرمانان کم‌نظیر تاریخ ایران در دوره‌ای است که ایرانیان در برزخ هویت به سر می‌بردند. در آن دوره نیاکان ما از یک سو به آیین تازه اسلام گرویده بودند، آیینی که قسط و عدالت شعار اصلی آن بود و همین موضوع موجب گرایش توده‌وار مردم به آن شده و باعث شده بود که دولت دیرینه سال ساسانیان نیز در مقابل آن تاب نیاورد. اما از سوی دیگر در اندک مدتی با قدرت‌گیری خاندان امیه نه فقط شعارها و شیوه‌های حکومتی دهه‌های اولیه به فراموشی سپرده شده بلکه ستم، بی‌عدالتی، ناپهنجاری، تحقیر مردمان غیرعرب و موالی خواندن آنها، به‌رغم مخالفت صریح تعالیم اسلام، رواج گسترده‌ای یافته بود. به همین دلیل ایرانیان در وضعیتی خاص قرار گرفته بودند. این وضعیت در ادبیات و فرهنگ آنها نمی‌توانست بازتاب خود را پیدا نکند. به نظر می‌رسد ابومسلم‌نامه، در روایت‌های اولیه خود، بر بستر چنین زمینه‌ای خلق شده باشد. این روایت‌ها به دلیل محبوبیت ابومسلم و گسترش فراوان جنبشی که او رهبری می‌کرد، از همان ابتدای قتل این قهرمان شکل گرفتند و گرایش‌های متفاوتی که در آن جنبش وجود داشت هر یک برخی از امال و آرزوهای فروخته خود را در آن بازتاب دادند. از این روایت‌ها هم تاریخ‌نویسان و هم داستان‌پردازان استفاده می‌کردند تا این که ابوطاهر طرطوسی، چیره‌دست‌ترین داستان‌پرداز ادبیات غیررسمی ما، روایتی جامع از آن به دست می‌دهد. این روایت تا زمان صفویان در همه حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی رواج کامل داشته است. تا این که تحریم ابومسلم‌نامه

حضور گسترده زنان در جنبش ابومسلم، بسیار قابل توجه است؛ مجلس امروز سمرقندی، سعیده عنبرفروش، میمونه، گلستونه، روح و رایعه برخی از این زنان اند که همه آنها در کارهای عیاری نه فقط دست کمی از مردان ندارند بلکه در مواردی مردان را نیز رهبری می کنند

بسیار زیادی دارد اما به دلیل نثر دلنشین و تصحیح دقیق آن به راحتی و با اشتیاق خوانده می شود.

مصحح کتاب در مقدمه جامع و رشک برانگیز خود که بیش از دویست صفحه است، داستان را از زوایای گوناگون ارزیابی کرده است که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: سیر تکوین ابومسلم نامه از عصر غزنوی تا امروز، ابومسلم نامه و ارتباط آن با محافل شیعه، صوفی و اهل قنوت، روایت های متفاوت ابومسلم نامه، نمادگرایی در ابومسلم نامه، شخصیت های داستان، ویژگی های زبانی، ارتباط ابومسلم نامه با ادبیات داستانی ایران و سرانجام بحثی تحلیلی درباره رآوی داستان یعنی ابوطاهر طرطوسی.

در حقیقت این مقدمه خود پژوهش کاملی است که از بسیاری جهات می تواند همچون کتابی مستقل مورد توجه باشد. به رغم این مقدمه، نگارنده این سطور به برخی از جنبه های مهم کتاب اشاره ای گذرا می کند:

۱- همان گونه که مصحح کتاب و سایر پژوهشگران گفته اند روایت های اولیه ابومسلم نامه با روایت و تحریری که امروز از این داستان در دست داریم تفاوت های جدی داشته اند. روایت فعلی، روایتی بسیار متأخر بوده که «عمدتاً صوفی مآب است و یا در دربار پادشاهان شیعی هند به نگارش درآمده، مضمون و محور عمده اش تضاد میان خواجه (در معنی نواصب و طرفداران بنی امیه) با محبان خاندان پیغمبر است و نوعی دید التقاطی و ترکیبی از انواع جریان های شیعی (غلات، زیدیه، دوازده امامی و حتی سنی متشیع) در جای جای کتاب به چشم می خورد.» (قراگزلو، ۱۳۸۲: ۸۹).

۲- جنبش ابومسلم، جنبشی فراگیر بود؛ در این جنبش که ماهیتی عدالت طلبانه داشت، همه گروه های مذهبی، شغلی، جنسی و قومی شرکت داشتند. ظلم و ستم و برخوردهای تحقیرآمیز خلیفه های اموی، امیران و حاکمان وقت فاصله ای بعید میان آنها و مردم ایران ایجاد کرده بود. این ظلم و ستم همه گروه های یاد شده در بالا را دربر می گرفت. شادروان استاد محمد جواد مشکور به درستی در این باره می نویسد: «مردم شورشی که قیام کرده در رکاب ابومسلم می جنگیدند از شیعیان کیسانیه، خوارج سیستانی، زرتشتیان خرمدینی، روستائیان، پیشه وران و بردگان تشکیل می شدند. اینان به خاطر عباسیان نمی جنگیدند بلکه به امید نجات از ظلم بنی امیه سلاح در دست گرفته بودند» (مشکور، ص ۱۰۹).

این موضوع به خوبی حتی در روایت فعلی ابومسلم نامه نیز کم و بیش بازتاب یافته است. مسیح ترسا در زمان گمنامی ابومسلم در شهر نیشابور به او شمشیر خاص و غذا می دهد. «امیر گفتند تو چه کسی که همچو امدادی بر من رساندی؟ گفت... پدر من ترسا بود و در وادی رمل بی بدل روزگار بود. روزی رمل انداخت، از قرعه رمل یافت که روزی همچون شود، ابومسلم، پدر اسلام، بابای مسلمانان، صاحب خروج هفتاد و دویم، شبی به گدایی برآیند... پس یک من نان و حلوائ تازه، هزار اشرفی و یک قبضه شمشیر مرصع هر شبی گرفته، می نشست به انتظار شما شاید که کدام شب شما پیدا شوید، شما پیدا نشدید. یک من نان و حلوا در میان اقربای خود بخش می کرد، روز دیگر تازه تازه می بخت. همین قسم عهد به سر

می برد، اجلش رسید، فوت کرد و بر من نصیحت کرد... نصیحت او من بر جای آوردم، امروز دوازده سال است که شب و روز همین کار را دارم... و انتظاری شما می دارم» (ج دوم ص ۶۷).

«شیروان گیر» نیز در اصفهان، ابومسلم را که مورد تعقیب مروان بن بوده به خانه خود راه می دهد و سپس از نقب فراری می دهد. (ج دوم ص ۲۸).

ماهیار گیر که گاهی با عنوان ماهیار جهود از او یاد می شود به دلیل کمک و مساعدت به ابومسلم، به همراه همسرش به دست مروان بن به شهادت می رسند. نکته جالب توجه در برخورد ابومسلم با ماهیار این است که ابومسلم افسانه ازدواج امام حسین (ع) با شهربانو را برای ماهیار نقل می کند. «چون ماهیار این سخن بشنید شاد شد و گفت: ترا پنهان کنم و خان و مان خود را فدای تو سازم و نگذارم که بدی به تو رسد و بفرمود که تا خوان آوردند. امیر گفت من این طعام را نمی خورم تا تو به کیش خود سوگند یاد نکنی. ماهیار قسم یاد کرد به کیشی که داشت که راز تو پنهان دارم و قصد تو نکنم. عبدالرحمن چون سوگند ماهیار شنید طعام خورد.» (ج اول ص ۶۱).

در روایت فعلی همه این افراد پیش از آنکه به دست مروان بن گرفتار آیند، مسلمان می شوند. در برخی از کتابها به حضور مبارزان غیرمسلمان حتی در جنبه هایی که به خونخواهی ابومسلم ایجاد شده بود اشاره شده است. خواجه نظام درباره سنیاد می نویسد: «رئیس بود در نیشابور گیر، سنیاد نام، و با ابومسلم حق صحبت قدیم داشت، او را برکشیده بود و سپهسالاری داده، پس از قتل ابومسلم خروج کرد از نیشابور، با لشکری به ری آمد و گبران ری و طبرستان را بخواند... چون قوی حال گشت طلب خون ابومسلم کرد و دعوی چنان کرد که رسول بومسلم است.» (خواجه نظام الملک، ۱۳۶۹: ۲۵۸).

جنبه دیگر جنبش ابومسلم حضور گسترده صاحبان حرف و پیشه وران شهری بوده است. این موضوع در داستان بسیار نمایان و برجسته است. دهها تن از یاران ابومسلم با پیشه و شغل خود مشخص می شوند. شادروان استاد حبیب یغمایی در مقدمه چاپ خود از ابومسلم نامه، نام همه پیشه ورانی را که در داستان آمده اند، احصاء کرده است. در این جا به برخی از این شخصیتها البته با استفاده از چاپ حاضر اشاره می شود: ابوالفضل قصاب، ابوالقاسم آنگینه گر، ابوجعفر گلکار، ابوسعید ابریشم فروش، ابوطاهر صیقل گر، ابوعلی خراط، ابوعمر زنبیل باف، ابوعلی سراج، اسحاق دباغ، خردک آهنگر، محتاج کله پز، محمد شعرباف و بسیاری دیگر.

علاوه بر پیشه وران، گروه های وسیعی از روستائیان و حتی بسیاری از افراد متمکن و اقشار بالای جامعه و صاحب نفوذان محلی نیز با جنبش همراهی و همکاری فعال داشتند. از میان این افراد می توان به سلیمان بن کثیر و خالد بن برمک اشاره داشت. (دینوری، ۱۳۷۱: ۴۰۶ و مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۴۴).

جنبه دیگر عمومیت جنبش ابومسلم، حضور افراد و گروه های مختلفی از سراسر ایران بوده است. نسب این افراد در داستان با شهر خود مشخص

کتاب اگر چه حجم بسیار زیادی دارد اما به دلیل نثر دلنشین و تصحیح دقیق آن، به راحتی و با اشتیاق خواننده می‌شود

برجسته و نظرگیر است. در این منظومه «گذشته از آنکه اصل داستان و موضوع در بسیاری از موارد به شکل عجیبی تحت تأثیر عقاید ایرانیان عهد اسلامی است فکر تازه و خاصی رخنه یافته و آن در آمدن رستم است به صورت کسی که در راه توحید جهاد کند و همه جا برای شکستن «لات» و «عزی» بجنگد» (صفا، ۱۳۶۳: ۲۲۷)

اما به‌رغم این موضوع باید گفت که ساختار داستان جهانگیرنامه برخلاف ابومسلم‌نامه براساس کفر و ایمان بنا شده است.

۵- یکی از ویژگیهای ابومسلم‌نامه در آمیختگی عناصر ایرانی، سامی و اسلامی است. در این باره مصحح کتاب شرح کافی داده و موضوع را از منظرهای گوناگون توضیح داده است و در پایان به درستی می‌نویسد: «در حالی که در دیگر قصه‌های مردمی سعی در ایرانی کردن عناصر غیر ایرانی به عمل می‌آید (داستان اسکندر)، ابومسلم‌نامه می‌کوشد تا با درآمیختن عناصر ایرانی و غیر ایرانی تعریف تازه‌ای به دست دهد که با فرهنگ ایرانی گسسته از دوران باستان، یعنی با فرهنگ حقیقی جامعه هماهنگ باشد» (مقدمه، ص ۱۳۹).

نگارنده می‌خواهد اضافه کند که این موضوع در روایت‌های شفاهی از داستانهای حماسی نیز وجود دارد که از جمله می‌توان به حکایت «مبارزه حضرت علی(ع) و رستم» اشاره کرد. در این حکایت که روایت‌های فراوانی از آن در گوشه و کنار ایران ثبت شده است، رستم پس از شکست در مبارزه، کمر بسته آن حضرت می‌شود. روایت‌هایی که از غیبت کیخسرو و زنده بودن رستم از زبان مردم ثبت شده از همین نمونه است.^۲

در آمیختگی عناصر ایران و سامی را هم چنین می‌توان به وفور در روایت‌های نقالان از شاهنامه فردوسی مشاهده کرد. در حقیقت در این جا نیز مردم تلاش کرده‌اند روایت‌هایی تازه از داستانها و شخصیت‌های ایرانی پیش از اسلام ارائه دهند که به قول مصحح کتاب «با فرهنگ حقیقی جامعه هماهنگ باشد».

۶- از متن کتاب می‌توان به نکات فراوانی از زندگی اجتماعی مردم هم‌دوره مؤلف دست یافت. یک نمونه، مشاغل و پیشه‌هایی است که به برخی از آنها در بند ۲ همین نوشته اشاره شد. نگارنده با جست‌وجوی نه چندان دقیقی در فهرست اعلام کتاب قریب بیست و پنج شغل دولتی و پنجاه شغل غیردولتی شمارش کرد.

مورد دیگر معرکه‌گیری پهلوانان است. نمونه این معرکه‌گیری تا

شده است مانند بلخی، سرخسی، خوارزمی، اسفراینی، مرتدی، گرگانی، نیاوندی، اصفهانی همدانی، حضور گسترده زنان در جنبش و بازتاب این حضور در داستان هم از نظر کمی و هم از لحاظ کیفی، بسیار قابل توجه است؛ مجلس افروز سمرقندی، سعیده عنبرفروش، میمونه، گلستونه، روح و رابعه برخی از این زنانند که همه آنها در کارهای عیاری نه فقط دست کمی از مردان ندارند بلکه در مواردی مردان را نیز رهبری می‌کنند مانند مأموریت‌هایی که بی‌بی‌ستی تکلیبا، بزرگ‌ترین زن عیار ابومسلم‌نامه و ملقب به مادر عیاران و مردان (ج سوم ص ۵۲) انجام می‌دهد. ابومسلم‌نامه سرشار از صحنه‌های عیاری است.

اما زیباترین این صحنه‌ها مربوط به عیارهای بی‌بی‌ستی است. نجات دادن ابومسلم، گلستون و روح‌افزا و بسیاری دیگر از مبارزان را از زندان نصر سبار او هدایت و رهبری می‌کند.

۳- مرکز جنبش ابومسلم سرزمین خراسان بود. خراسان و بهتر است بگوییم خراسان بزرگ نقش ویژه‌ای در تاریخ و فرهنگ ما، به ویژه در سده‌های اولیه پس از اسلام داشته است. این منطقه مرکز برآمدن بسیاری از جنبش‌های اجتماعی، فرهنگی و ادبی بوده است. نخستین سلسله‌های مستقل ایرانی در سده‌های دوم و سوم در این منطقه قدرافراشتند، شخصیت‌های بانفوذ خلافت عباسی که تأثیرات مهمی در ترویج فرهنگ ایرانی داشتند از همین منطقه بودند. حماسه ملی ما در همین منطقه به نظم درآمد. خراسان آنچنان تأثیری در مبارزات استقلال‌خواهی ایرانیان داشته که نویسندگان عرب گاهی لفظ «خراسانی» را به مفهوم ایرانی یا عجم به کار می‌بردند.^۲

این موضوع در سراسر داستان بازتاب یافته است. فی‌المثل وقتی نصر سبار، حاکم خراسان، وضعیت منطقه و گسترش جنبش ابومسلمیان را در نامه‌ای نوشته و برای هشام بن عبدالملک می‌فرستد، واکنش هشام بسیار جالب توجه است. «هشام نامه را برگرفت و به دست دیگری داد تا بخواند. چون نامه تمام شد، روی به امرا کرد و گفت: هیچ می‌بینید که دایم از طرف خراسان خبری می‌آید که فلان کس ابوترابی است؟ و هیچ مملکتی دیگر هم چنین نیست، درمان این چه باشد؟» (جلد اول ص ۵۴۵)

نگارنده تأکید بر نقش خراسان را از این رو حائز اهمیت می‌داند که مبین این موضوع است که جنبش ابومسلم با اینکه ویژگی ضد اموی داشت و خواهان بازگشت به اصول اولیه حکومت اسلامی بود، ولی در کانون حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی شکل گرفت و زمینه مناسبی برای استقرار حکومت‌هایی مانند طاهریان و سامانیان ایجاد کرد.

۴- همان گونه که به درستی در مقدمه کتاب آمده است، داستانهای سنتی ایرانی بر مبنای مبارزه خیر و شر شکل گرفته‌اند. این ویژگی در ابومسلم‌نامه حالت ایمان و کفر به خود گرفته است. حامیان ابومسلم در جبهه ایمان و مروانیان در جبهه کفر هستند. سیاه و سفیدی که در سایر داستانهای سنتی منتسب به شخصیت‌های شر و خیر می‌شود، در این داستان به حامیان کفر و ایمان منسوب است. ایمان ابومسلم عامل اصلی رهایی او از هرگونه سختی و گرفتاری است.

البته مبارزه علیه کفر و در راه استقرار توحید در برخی دیگر از داستانهای قدیمی ما از جمله منظومه‌های حماسی شهریار نامه، فرامرزانامه و جهانگیرنامه نیز وجود دارد. این موضوع به ویژه در جهانگیرنامه بسیار

ماهیار گبر که گاهی با عنوان
ماهیار جهود از او یاد می‌شود
به دلیل کمک و مساعدت به
ابومسلم، به همراه همسرش
به دست مروانیان به شهادت
می‌رسند

خراسان آنچنان تأثیری در مبارزات استقلال‌خواهی ایرانیان داشته که نویسندگان عرب گاهی لفظ «خراسانی» را به مفهوم ایرانی یا عجم به کار می‌بردند

۴- لغات و اصطلاحات متفاوت و گوناگون متن با استفاده از منابع متعدد معنی شده‌اند.
۵- فهرستهای متعدد در پایان هر جلد کتاب استفاده پژوهشگران را از این آسان‌تر می‌کند.
۶- مصحح کتاب، با تصحیح متن داستان چندنامه و آوردن آن در جلد اول کتاب کار خود را به کمال رسانده است. در حقیقت همان‌گونه که مصحح گفته است این داستان راه را برای پیدایی ابومسلم هموار می‌کند. بنده هنگامی که مقدمه دقیق و مشروح دکتر اسماعیلی را خواند آنچنان تحت تأثیر زحمات و نکته‌سنجی‌های علمی او قرار گرفت که در حاشیه آن یادداشتی نوشت، اکنون دوست دارم همان یادداشت پایان‌بخش نوشته حاضر باشد: «قای دکتر اسماعیلی خسته نباشید. بسیار عالی بود. همت پایدار باد.»

پی‌نوشت:

۱- دربارهٔ تحریر ابومسلم در دورهٔ صفوی علاوه بر مقدمهٔ ابومسلم‌نامه می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد: الف - صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، ج ۵، بخش ۳، صص ۱۵۰۶ تا ۱۵۱۵. تهران: فردوسی، ۱۳۸۳.
ب - جعفریان، رسول، قصه‌خوانان در تاریخ اسلام و ایران، بی‌جا: انتشارات دلیل، ۱۳۷۸.
۲- ابوعثمان محمدبن بحرجاحظ بصری با همین مفهوم می‌نویسد: «دولت عباسیان دولتی عجمی [ایرانی] خراسانی و دولت امویان دولتی عربی بود.»

۳- برای آشنایی با برخی از این روایتها می‌توان به کتابهای زیر مراجعه کرد:

الف - انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم، مردم و شاهنامه، تهران: سروش، ۱۳۵۴، صص ۱۰۷ تا ۱۲۷.
ب - وکیلیان، سید احمد و خسرو صالحی، حضرت علی در قصه‌های عامیانه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۲۳۵ تا ۲۷۴.

منابع:

۱- خواجه نظام‌الملک طوسی، ابوعی حسن بن علی بن اسحاق، (۱۳۶۹) سیاست‌نامه، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: اساطیر
۲- دینوری، ابوحنیفه احمدبن داود (۱۳۷۱) اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامانی، تهران: نشر نی.
۳- ذکاتوتی قراقرز، علیرضا، (۱۳۸۲) نظری بر ابومسلم‌نامه، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، سال ششم، شماره ۹، صص ۸۸ - ۹۳
۴- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۳) حماسه‌سرایی در ایران، تهران: امیرکبیر
۵- محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۲)، ادبیات عامیانه ایران، به کوشش دکتر حسن ذوالفقاری، تهران: نشر چشمه
۶- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴) مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی فرهنگی
۷- مشکور، محمدجواد، ترجمه فرق‌الشیعه نوبختی، بنیاد فرهنگی

سالهای پیش از انقلاب در بسیاری از شهرهای ایران برگزار می‌شد. یکی از اعمال رایج در این معرکه‌ها، سنگ‌بازی پهلوانان بود. در کتاب نمونه‌هایی از معرکه‌گیری و بازیهای آن مانند سنگ‌بازی و بیل‌بازی توصیف شده است. (ج اول، ص ۵۷۱ - ۵۷۲)

کشتی گرفتن، مبارزه طلبیدن و آداب مربوط به آن از دیگر نمونه‌هایی است که در همین زمینه می‌توان به آن اشاره کرد. راوی در بخشی از کتاب کشتی گرفتن ابومسلم با کشتی‌گیری به نام یوسف کنوکردی را توصیف کرده که بسیار جالب توجه است: «کشتی‌گیر برخاست و یک خشت زرین در زیر پای نهاد و گفت مردی می‌خواهم که این خشت را از زیر پای من بیرون کند. بسیار کسی آمدند و زور کردند، نتوانستند. عبدالرحمن نشست بود چون آن حال را بدید ... برخاست و پیش رفت و گفت: من نیز یک زور می‌زنم. این بگفت و حلقهٔ آن خشت را بگرفت و قوت کرد. خشت را از زیر پای کشتی‌گیر بیرون کرد. غریو از مردم ... برآمد. یوسف کنوکردی گفت: من با تو کشتی می‌گیرم. خوش باشد.

چون عبدالرحمن بی‌تابی او را بدید، پای کم نیاورد، پیش آمد و دست کوفت» (ج اول ص ۵۷۰)

امروز نیز در بسیاری از نقاط ایران کشتی‌گیران برای اعلام موافقت خود در مبارزه، دستهای خود را در مقابل حریف به هم می‌کوبند. ویژگیها، امتیازات و فوائد ابومسلم‌نامه به موارد مذکور محدود نمی‌شود و بسیار بیش از آن است که بتوان در این مقاله به آن بپردازیم از این رو بنده از این بحث درمی‌گذرد و به صورت اختصار به برخی از امتیازات چاپ حاضر می‌پردازد:

۱- مصحح تقریباً همهٔ نسخه‌های مهم ابومسلم‌نامه را از نظر گذرانیده و ضمن مقایسهٔ آنها قدیمی‌ترین روایت را که در عین حال کامل‌ترین آنهاست مبنای کار خود قرار داده است. هر جا که نسخهٔ مبنای افتادگی داشته یا به دلیل اختصار نامفهوم بوده از ترجمهٔ ترکی حاجی شادی یا سایر نسخه‌های فارسی استفاده کرده است.

۲- مآخذ بسیاری از شعرهای متن در حاشیه صفحه‌ها مشخص شده است.
۳- در موارد گوناگون اشتباهات راوی در پانوشتها اصلاح شده است. گاهی اوقات راوی موضوعی را نقل کرده و دویست صفحه بعد مطلب دیگری آورده که در تناقض با آن بوده است. این گونه اشتباهات از نظر مصحح پنهان نمانده و آنها را توضیح داده است.

جنبش ابومسلم، جنبشی فراگیر بود؛ در این جنبش که ماهیتی عدالت‌طلبانه داشت، همهٔ گروههای مذهبی، شغلی، جنسی و قومی شرکت داشتند